



آفرینش در اساطیر شاهنامه و آیات قرآن

(با تأکید بر شاهنامه مصور آل اینجو محفوظ در کتابخانه لنینگراد)

جواد صادقی^۱، یداله ملکی^۲، قاسم صحرائی^۳

^۱گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. javad.sa238@gmail.com

^۲(نویسنده مسئول) استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. maleki@khoiau.ac.ir

^۳دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. saharai.g@lu.ac.ir

چکیده

موضوع آفرینش از جمله مباحثی است که می‌تواند میدانی برای جولان افکار مردم هر سرزمین به‌وجود آورد. معما و مفهوم پیچیده خلقت و ماده اولیه آفرینش در جای‌جای زندگی و تفکر و تخیل بشر قابل مشاهده است. شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در بحث آفرینش اساطیر و خلقت جهان هستی در باورهای باستانی دینی و حماسی ایران قبل از اسلام و قرآن کریم وجود دارد که هر دو هم فرهنگ سازند و هم تمدن‌ساز، این نگاه نشانگر نزدیک بودن و هم‌ریشه بودن فرهنگ و تمدن هر دو دوره است و بیشترین این مهم را می‌توان در دیدگاه‌های آیاتی از قرآن کریم و شاهنامه فردوسی مورد کنکاش و بررسی قرار داد، لذا این مقاله بخشی از این شباهت‌ها و تفاوت‌ها را در مورد ماده اولیه آفرینش، خلقت جهان هستی و تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین و در نهایت خلقت انسان است بررسی کرده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. نتایج پژوهش حاکی از همخوانی مختصات آفرینش در قرآن و شاهنامه فردوسی است و این حقیقت را در نسخه مصور شاهنامه نیز می‌توان مشاهده کرد.

اهداف پژوهش:

۱. توصیف آفرینش در اساطیر شاهنامه در تطبیق با آیات قرآن کریم.
۲. بررسی اثربرداری‌های فردوسی از قرآن.

سؤالات پژوهش:

۱. آفرینش در اساطیر شاهنامه چگونه توصیف شده است؟
۲. آفرینش در قرآن چگونه توصیف شده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۰

دوره ۲۰

صفحه ۴۲۸ الی ۴۴۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۴

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

قرآن کریم،

اسطوره،

آفرینش،

شاهنامه فردوسی.

ارجاع به این مقاله

صادقی، جواد، ملکی، یداله، صحرائی، قاسم.

(۱۴۰۲). آفرینش در اساطیر شاهنامه و آیات

قرآن (با تأکید بر شاهنامه مصور آل اینجو

محفوظ در کتابخانه لنینگراد). مطالعات هنر

اسلامی، ۲۰(۵۰)، ۴۲۸-۴۴۹.



dor.net/dor/20.1001.1

۱۷۳۵۷۰۸.۱۴۰۲.۲۰.۵۰.۲۷۸



dx.doi.org/10.22034/IAS

۲۰۲۱.۲۷۱۵۷۷.۱۵۳۰

مقدمه

اسطوره‌ها در حقیقت داستان‌ها و روایاتی هستند که انسان‌های پیشین برای زایش یا پیدایش عنصر طبیعت پیرامون خود ساخته‌اند؛ یا به عبارتی می‌توان گفت: «اسطوره‌ها آن دسته روایات کاملاً معقول و سنتی هستند که در جوامع ابتدایی به شرح امور حقیقی ازلی می‌پردازند. در حقیقت، تلاشی برای نظم‌بخشیدن به جهان و معنا دادن به آن بوده است. روایاتی نمادین در یک فرهنگ و در میان مردم وجود دارند که دربارهٔ آغاز جهان و چگونگی پیدایش انسان سخن می‌گویند (بهار ۱۳۷۶: ۷۵-۷۶). فردوسی در شاهنامه جهان‌بینی ایران باستان دربارهٔ آفرینش و هستی را به گونه‌ای رمزآلود بازگو می‌کند. اعتقادات فردوسی در آفرینش جهان و انسان با عقاید جاری آن زمان متفاوت است زیرا او نخست از «خَرَد» ستایش می‌کند و اولین آفرینش خداوند را «خَرَد» می‌داند. او دربارهٔ آفرینش اساطیر و جهان باورهای ایرانیان باستان را می‌آورد، و براساس آن باورها جهان از چهار «أخشیج» یا عنصر (آتش، آب، خاک، هوا (باد) و از هیچ پدید آمده است. شاهنامه طرحی اندام‌وار و یکپارچه دارد. بخش اساطیری آن به آفرینش می‌پردازد و چگونگی بحث آفرینش را ترسیم می‌کند. او اذعان دارد کل جهان هستی از چیزی پدید آمده و خود آن چیز اولیه که بر هیچ کس معلوم نیست آن را به یزدان می‌سپارد و پس از آن خود طبیعت به خلق می‌پردازد. از طرفی در نگاه اسلام (قرآن) آفرینش جهان و انسان در شش روز «دوره» انجام گرفته است خلقت مادی انسان و حیوانات و در شاهنامه به ترتیبی غیر از آن است که در قرآن آمده است. از طرف دیگر، نیز فردوسی نه تنها اساطیر و تاریخ حماسی را به تصویر می‌کشد بلکه بازتاب‌دهندهٔ تفکرات فلسفی و حکمی اسلامی است. شاهنامه فردوسی نه فقط باور به ابداع و حدوث اولین مخلوق هستی دارد. بلکه به مبحث حرکت و سکون و فعل و انفعالات عالم (جنبش و آرام) دارد و آن‌ها را با هم مرتبط می‌داند.

قرآن کریم نیز با تکیه بر آیات خود پدیده خلق جهان را به خداوند یکتا نسبت می‌دهد و جهان مخلوق و مصنوع اوست و آن را نظم بخشید و حافظ آن خواهد بود. شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین آفرینش اساطیر در شاهنامه و مسئله خلقت جهان و انسان از دیدگاه قرآن کریم یکی از مهم‌ترین مسائل شناخت آفرینش هستی و در نهایت، انسان است. حال با این توصیف موجز و مختصر این پژوهش قصد دارد که چگونگی آفرینش در شاهنامه در تطبیق با قرآن کریم را بررسی کند که چه تفاوت‌ها و تشابهاتی وجود دارد، یا بر آرائی که در لابه‌لای متون ذی‌ربط و این دو منبع گران‌قدر انجام گرفته این مهم آشکار و مبرهن می‌گردد.

روش اجرای پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای به صورت تحلیل محتوایی است. بدین صورت که در آغاز با مطالعه بخش اساطیری شاهنامه و دیگر منابع مرتبط و همچنین با استفاده از کتاب‌های گوناگون و رجوع به پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی مختلف و استفاده از نشریات و مقالات و مجلاتی که در ارتباط با موضوع مورد پژوهش هستند و از طرفی با بررسی آیاتی از قرآن کریم که در این زمینه مرتبط‌اند و نگاهی به تفاسیر و روایات، مطالب مورد نظر فیش‌برداری شده و سپس به صورت تطبیقی و با توجه به محتوای مطالب طبقه‌بندی شده‌اند. بررسی‌های انجام شده بر روی

تحقیقات مرتبط مؤید آن است که تاکنون تحقیق جامع و کاملی در ارتباط با وجوه تشابه و تفاوت آفرینش اساطیر در شاهنامه در تطبیق با آیاتی از قرآن کریم انجام نگرفته است. به برخی از تحقیقاتی که به این موضوع به صورت متفرقه پرداخته‌اند اشاره می‌شود.

گلستانی و همکارانش (۱۳۹۶) در پژوهشی به‌عنوان «چشم‌اندازهای حکمی آفرینش عالم در شاهنامه» به بررسی اصول و چهارچوب حکمی و فلسفی مهمی همچون آغاز خلقت حدوث یا قدم جهان هستی، ماده اولیه آفرینش و مراتب آفرینش پرداخته است. موسوی و کریمی (۱۳۹۶) مقاله‌ای ارائه داده‌اند با عنوان «مراحل آغازین آفرینش عالم از منظر تورات و بررسی آن در تطبیق با قرآن» با بررسی تطبیقی چگونگی مراحل آغازین آفرینش عالم هستی در قرآن کریم و تورات که بانام مشترک آسمان‌ها و زمین یاد شده وجود شباهت‌ها و البته تفاوت‌هایی در ساختار و محتوای دو کتاب بیان شده است. که باز این پژوهش پاسخگوی آنچه مدنظر اصل مقاله است نیست. پاکرو (۱۳۹۱) مقاله‌ای تحت عنوان «نقد تطبیقی اسطوره آفرینش در شاهنامه و مهاباراتای هندی» مسئله آفرینش در شاهنامه و مهاباراتا مورد بررسی قرار داده و آنچه که باید پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه گردد. محقق نشده است. سیدی و علی‌پور (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی داستان آفرینش انسان در روایت‌های اسطوره‌ای ایران و عرب» به پرداختن داستان آفرینش انسان از رهگذر تطبیقی همانندی اندیشگی این قوم را در گذشته تبیین می‌کند. که باز این مقاله پاسخگوی آنچه که باید در اهداف پژوهش موردنظر باشد، نیست. یا در تحقیقی به نام «فلسفه آفرینش جهان و انسان از دیدگاه قرآن» نوشته فارسی‌نژاد و دژآباد (۱۳۸۸) که در فصلنامه اندیشه دینی چاپ گردیده در زمینه دیدگاه قرآن در مورد آفرینش جهان هستی و انسان کنکاشی صورت گرفته که جامعیت و تمام‌کننده بحث نیست به هر صورت منابع و مقالات زیادی به‌صورت متفرقه و پراکنده در مورد این موضوع نوشته شده است که اقتناع‌کننده نیست.

۱. آفرینش در شاهنامه با تأکید بر نسخه مصور کتابخانه لنینگراد

وجوه تشابه و تفاوت‌های آفرینش اساطیر در شاهنامه فردوسی در تطبیق با آفرینش هستی در قرآن کریم یکی از مسائل مهم و زمینه شناخت خلقت جهان و انسان است که با بررسی دقیق و متقن از نگاه شاهنامه و آیاتی از قرآن کریم مورد مذاقه قرار می‌گیرد. ترتیب مسئله آفرینش در شاهنامه که باید یکی پس از دیگری مورد بحث قرار گیرد همان باید باشد که در نظم شاهنامه قرار گرفته است. این اثر بزرگ از سه رویکرد، اسطوره، حماسه و تاریخ تشکیل شده است که بخش اساطیری موردنظر است.

۱/۱. صفات آفریدگار از نگاه شاهنامه

فردوسی شاهنامه را با یاد خدا آغاز کرده است او اعتقاد راسخ دارد که مبدع و موجد عالم هستی خداوند است و دارای صفات بلند است. خدای شاهنامه «ز نام و نشان و گمان برتر است» و این جامع‌ترین صفتی است که بتوان دربارهٔ پروردگار به کار برد.

ز نام و نشان و گمان برتر است نگارنده بو شده پیکر است

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۷/۱)

۱،۲. آفرینش جهان از نظر شاهنامه فردوسی

اعتقادات فردوسی در آفرینش جهان و انسان با عقاید جاری آن زمان متفاوت است. زیرا نخست از خرد ستایش می‌کند، و اولین آفرینش خدای را «خرد» می‌داند:

نخست آفرینش خرد را شناس نگهبان جان است و آن سه پاس

(فردوسی، ۱۴۹۶: ۸/۱)

خلقت مادی انسان و حیوان در شاهنامه به ترتیبی غیر از آن است که در قرآن آمده است.

که یزدان ز ناچیز، چیز آفرید بدان، تا توانایی آمد پدید

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۸/۱)

توانایی در آفریده یزدان پدید آمد، از چیزی که یزدان آفرید چهار عنصر پدید آمد که هر یک سزاوار خویش جای گرفتند، یک اندر دگر آمیختند و:

ببالید کوه آبها بر دمید سر رستنی سوی بالا کشید

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۸/۱)

پس از گیاه جنبنده پدید آمد.

چنین است فرجام کار جهان نداند کسی، آشکار و نهان

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۹/۱)

و پس از آن مردم پدید آمد (انسان خلق شد)

چو زین بگذری، مردم آمد پدید شد این بندها را سراسر کلید

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۱ / ۹)

که در تمام این تحولات از پدیدآمدن سخن رفته و نه از آفریده شدن، زیرا اصل و گوهر همه گیاهان و جانوران و مردمان همه طبیعت به شمار می‌آورد که آفریده شد.

۱،۳. خرد اولین آفرینش از نگاه شاهنامه

نخست آفرینش خرد را شناس نگهبان جان است و آن سه پاس

سه پاس تو چشم است و گوش و زبان که ز این سه رسد نیک و بد بی گمان

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۱ / ۸)

فردوسی که خود بیش از هر کس قدر گوهر یک دانه‌اش می‌داند در آغاز با شکوه شاهنامه هیچ‌کس را شایسته ستایش نمی‌داند. او می‌خواهد شاهکارش را با ستایش حقیقی آغاز کند. او در کلیت اندیشه خود «جان و خرد» را برمی‌گزیند.

به نام خداوند جان و خرد کز این برتر اندیشه برنگذرد

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۱ / ۷)

خرد به همین شکل کهن ایرانی از واژه‌های کلیدی شاهنامه است. در تعریف خرد در شاهنامه اختلاف نظرهایی وجود دارد. یکی از تعاریف این است. «کیفیتی که به خودی، خود وجود دارد. بهترین موهبت الهی و راهنما و یاور انسان که در باطن آدمی جای دارد، و چشم جان و نگهبان آن است (مسکوب، ۱۳۷۴: ۱۶). این تعریف خرد در شاهنامه مطابقت دارد. در جایی دیگر آمده است: «خرد در شاهنامه اعم است از عقل نظری و عملی اما در غالب موارد منطبق بر قسم اخیر است، مگر در آغاز کتاب که عقل به معنی جوهر مجدد ذاتاً و فعلاً مفهوم می‌شود (صفا، ۱۳۶۳: ۲۵۸).

یکی از بهترین تعاریف خرد در شاهنامه این است که «خرد نیروی تشخیص نیک و بد است و زندگی را به جانب اعتدال، مدارا، روشن‌بینی و مردمی سوق می‌دهد (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰). بنابراین سرنوشت انسان در دو سرا به خرد وابسته است. از این رو می‌توان گفت: «خرد در شاهنامه نیرویی است که موجودات را در تشخیص خوب و بد راهنمایی می‌کند و سرنوشت انسان به او سپرده شده است.

فردوسی بارها «راهنما» و «رهنمون» را صفت خرد قرار داده است:

خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۱/۷)

در شاهنامه خرد و نیکی همزاد یکدیگرند و خردمند شاهنامه نیک هم هست (مسکوب، ۱۳۷۴: ۳۳). خرد در شاهنامه منحصر به انسان نیست؛ بلکه موجودات اسطوره‌ای چون سیمرغ، و رخس حتی طبیعتی که بر مرگ سیاوش می‌گرید خردمندند. تصویر شماره ۱ به داستان سیاوش در شاهنامه اشاره کرده است.



تصویر ۱. نگاره گذر سیاوش از آتش. شاهنامه ۷۳۳. مکتب شیراز، دوره آل اینجو. کتابخانه لنینگراد.

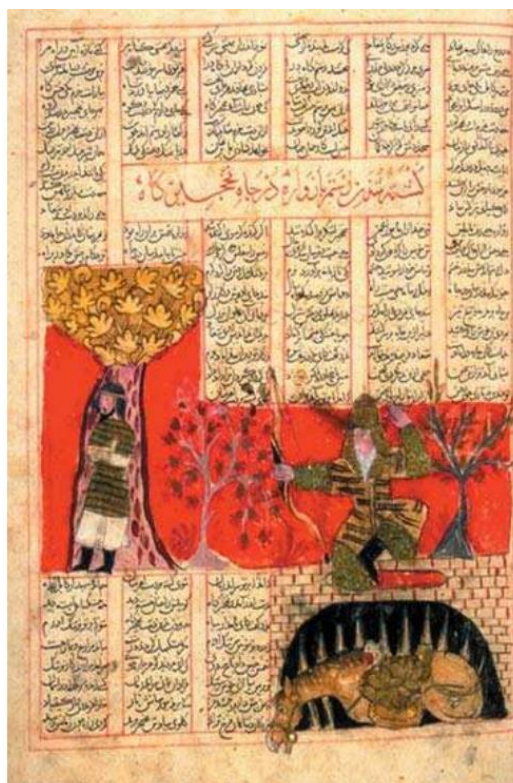
خرد در شاهنامه تک‌بعدی و یک‌سویه نیست هم دنیا را دربر می‌گیرد و هم آخرت را، هم به تن می‌پردازد و هم به جان، ولی توانایی آن مطلق نیست (کزازی، ۱۳۷۶: ۲۸).

از اوایی به هر دو سرای ارجمند گسسته خرد پای دارد به بند

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۱/۷)

پس نگرش فردوسی، نگرش خردمندانه است. ریشه‌های محدودیت خرد و ناتوانایی آن در محدودیت‌های انسانی است، نه در ذات خداوندی، فردوسی این ناتوانی را بیچارگی می‌داند که باید بر آن گریست. خرد نیرویی مینوی و

انتزاعی است که از عالم معنا به دنیا فرود آمده است و در گیتی پرورده می‌شود تا انسان بتواند بیندیشد و بشناسد (کزازی، ۱۳۸۰: ۶۶). تصویر شماره ۲ نگاره کشته شدن رستم است که رخس شاهدهی بر مرگ وی است.



تصویر ۲. کشته شدن رستم، شاهنامه ۷۳۳. مکتب شیراز، دوره آل اینجو. کتابخانه لنینگراد.

۱،۴. آفرینش آسمان و زمین در شاهنامه

از دیر زمان یکی از پرسش‌های مهم انسان پرسش درباره ماهیت و جنس آسمان است. فردوسی با نگاهی اساطیری در مقدمه شاهنامه می‌گوید: جنس آسمان از یاقوت سرخ است:

ز یاقوت سرخ است چرخ کبود نه از آب و گرد و نه از باد و دود

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۱ / ۹)

شاهنامه پژوهان درباره این بیت (ز یاقوت سرخ است چرخ کبود نه از آب و گرد و نه از باد و دود) نظریات متفاوتی دارند از جمله:

۱- برخی آن را به دلیل نامفهوم بودن، آن را از ابیات الحاقی دانسته‌اند. مثلاً مرحوم دکتر زریاب خوبی نوشته‌اند (این بیت از لحاظ معنی سست و نامعقول) است که اگر چرخ کبود از یاقوت سرخ است پس چرا کبود است؟ و اگر یاقوت از جنس یکی از عناصر چهارگانه است، یعنی خاک پس چرا در مصرع دوم می‌گوید: که چرخ کبود از گرد یعنی (خاک) و دود یعنی آتش نیست (زریاب خویی، ۱۳۷۴: ۱۹-۱۶).

۲- به نظر دکتر کزازی «به‌درستی دانسته نیست که چرا فردوسی گوهر و گونه آسمان را از یاقوت شمرده است. اما ساختار معنایی و نحوی بیت آشکارا گویای آن است که خواست وی از این سخن پنداری شاعرانه نیست و باوری اساطیری را در آن باز نموده است، زیرا در باورشناسی باستانی آسمان از گونه و گوهر سنگ پنداشته شده است (کزازی، ۱۳۷۹: ۲۰۰)

در این بیت واژه سرخ برای یاقوت «حشو» نیست زیرا یاقوت گونه‌هایی دارد (سرخ، زرد، کبود، سبز، سپید) (شه مردان بن ابوالخیر، ۱۳۶۲: ۲۵۹) و از این انواع بهترین یاقوت (یاقوت سرخ است) (مطهر جمالی یزدی، ۱۳۴۶: ۱۸۹). بیان فردوسی از آفرینش آسمان و زمین سخنی کاملاً هم‌خوانی با منابع اسلامی دارد. منظور از (بی‌رنج، بی‌روزگار) شعر فردوسی این است که خلقت عناصر به دست خداوند «زمان» (روزگار) نبوده است. همان نکاتی که قرآن کریم در آیات (سوره‌های نحل آیه ۴۰، مریم آیه ۳۵ و لیس آیه ۸۲) به آن‌ها اشاره کرده است که شرح آن‌ها خواهد آمد. و فردوسی در جای‌جای شاهنامه در وصف آسمان اشاره می‌کند و می‌گوید:

به چندین فروغ و به چندین چراغ بیاراسته چون به نور و ز باغ

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۹ / ۱)

نقل است اولین مخلوق الهی نور بوده است (علل الشرائع، صدوق: مقر سیدمحمد صادق بحرالعلوم، ۵۹۳)

این نور از چیزی پدید نیامده بود. خداوند از آن نور یاقوتی به‌اندازه ضخامت آسمان‌ها و زمین پدید آورد و آن یاقوت آب شد و عرش را از آن نور آفرید و بر آب مستقر ساخت (مجلسی بحارالانوار: ۹ / ۵۴). نیز حدیث دیگر از پیامبر (ص) نقل است که فرمود: «عرش پروردگار از یاقوتی سرخ است» (مجلسی بحارالانوار: ۵۸ / ۱۰۴) و ماده آسمان سوم یا هفتم از یاقوت سرخ است.

پس فردوسی با این اوصاف به منابع اسلامی رجوع کرده و برداشت خویش را از محتویات آن منابع را بلور شعر فوق بازتابانده است. در شاهنامه نیز پس از اشاره‌ای گذرا به آفرینش چهارگانه و چگونگی آفرینش آسمان و پدیده‌های دیگر که جزو آفرینش مادی «اورمزدا» هستند، پرداخته شده است.

(شاهنامه، ۱۳۹۶: ۸ / ۱)

مطابق با ابیات فوق آفرینش آسمان پیش از پدید آمدن پدیده‌های دیگر است. و بیت اخیر اشاره به ماده اولیه آسمان دارد.

ز یاقوت سرخ است چرخ کبود نه از آب و گرد و نه از باد و دود

(شاهنامه، ۱۳۹۶: ۹/۱)

۱.۵. آفرینش خورشید و ماه از نظر شاهنامه

در شاهنامه تفاوتی میان مهر و خورشید وجود ندارد، و هر دو در یک مفهوم به کار می‌رود.

ماه و مهر در شاهنامه نیز با صفت «نگهدار» آمده‌اند. در «اوستا» در مورد خورشید چنین آمده است: «تویی که از پی دادخواهی یاور توانای مائی» در شاهنامه نیز این مطلب این گونه آمده است:

چو دادماد یابی، چو پورقباد چنان دان که خورشید داد تو داد

(شاهنامه، ۱۳۲/۲)

پرستش خورشید مهم‌ترین تجلی قداست در اسطوره‌های آفرینش به‌شمار می‌رود. خورشید نخستین سرچشمه نیرو در منظومه شمسی است که با چشم دیده می‌شود، این اختر بزرگ و درخشان هستی‌بخش همه جانوران است. نیرو و زندگی‌بخش این اختر فروزنده سبب نیایش و حق پرستش آن نزد اقوام و ملل شده است. خورشید پدیده اصلی در زندگی همه اقوام بشری است. در مقطع کهن پرستیده می‌شده است (بهار، از اسطوره تا تاریخ: ۲۴۵)

دلیل اصلی و هدف منطقی خورشید و ماه روشن ساختن زمین است و به‌دست دادن وسیله و روالی برای سنجش زمان

روان اندر او گوهر دلفروز که زاو روشنایی گرفتست روز

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۸)

ماه به سبب نوزائی‌اش یکی از رمزهای رستاخیز به‌شمار می‌رود، و در اسطوره‌های آفرینش از قداست برخوردار است.

چراغ است مَر تیره شب را بسیج به بد تا توانی تو هرگز مپیچ

(شاهنامه، ۱۳۹۶: ۱۰/۱)

فردوسی اشاره به فلسفه وجودی خورشید و ماه دارد و می‌گوید که دلیل اصلی و هدف منطقی خلقت ماه روشن ساختن زمین است که قبلاً اشاره شد. ماه با حرکت منظم خود زمین را روشن می‌سازد. ماه چون چراغی شب را روشن می‌کند. گردش ماه به دور خورشید سی روز است و جهان تیره و تاریک به وسیله ماه روشن می‌گردد، در این آفرینش تمام گردش‌ها بازگو می‌کند. این‌گونه خداوند ماه را آفرید تا دینا باقی است، همان‌گونه ادامه دارد.

۱،۶. آفرینش گیاه و حیوان از نظر شاهنامه

گیاه یکی از موالید سه‌گانه و زاده امهات اربعه و یکی از مایه‌های مهم اساطیری است، که ریشه در باورهای کهن قوم آریا دارد، گاه نماد رویش و تجدید حیات است. گاه نماد تحول و دگرگونی است که با ضرب‌آهنگ طبیعت متحول و تازه می‌گردد (کوشش، ۱۳۹۰: ۱۳۲). در شاهنامه پس از آفرینش آسمان و زمین، درخت و گیاه به وجود می‌آید.

گیاه راست با چندگونه درخت به زیر اندر آمد سرا نشان ز بخت

(شاهنامه، ۱۳۹۶: ۸/۱)

فردوسی به خلقت حیوان پس از جماد و نبات اشاره دارد. این اندیشه برگرفته از روایات آفرینش پس از اسلام است.

و ز آن پس چو جنبنده آمد پدید همه رستنی زیر خویش آورید

(همان: ۸-۹/۱)

۱،۷. آفرینش انسان در شاهنامه (گفتار اندر آفرینش مردم)

پروردگار پس از آفرینش مادی جهان هستی (یعنی آسمان، زمین، آفتاب، ماه، گیاه، حیوان، انسان را می‌آفریند، موجودی که خلاف سایر موجودات راست قامت است. (سرش راست بر شد چو سرو بلند) و به گفتار خرد از سایر موجودات متمایز می‌گردد.

چو ز این بگذری مردم آمد پدید شد این بندها را سراسر کلید

(شاهنامه، ۱۳۹۶: ۹/۱)

ماهیت بشر آن است که در این جهان اندیشه کند و در جهان دیگر به شما گذارده شود یعنی حساب زندگی پیشین از او باز خواسته شود (اسلامی، ندوشن: ۱۳۸۱: ۴۱).

نخستین فطرت پسین شمار توئی، خویشتن را به بازی مدار

(همان، ۱۳۹۶: ۱/۹۹)

بندها در مصراع دوم (رازها) رازهای آفرینش هستند؛ یعنی با پدیدآمدن انسان راز آفرینش گشوده شد و مؤید این مطلب، بیت زیر است:

ترا از دو گیتی بر آورده‌اند به چندین میانجی پیروده‌اند

که بیانگر این باور است که نوبت آفرینش پس از چندین مرحله به انسان می‌رسد، به بیانی دیگر هر آنچه پیش از انسان آفریده شد پیش زمینه‌ای بود برای آفرینش او (انسان) که برترین آفریده‌ها است: در شرح ابیات بعد می‌گوید:

خردمندانه به آفرینش انسان بنگر.

شنیدم ز دانا دگرگونه ز این چه دانیم راز جهان آفرین

نگه کن سرانجام خود را ببین چو کاری بیابی، از این به گزین

(شاهنامه، ۱۳۹۶: ۱/۹)

شاهنامه برای جهان بنیاد و سرچشمه‌ای قائل است که در آغاز به صورتی تکوین نیافته آفریده شده و پس از آن به تدریج تکامل یافته است و فردوسی مبدأ آفرینش عامل را ذات آفریدگار می‌داند که (غیب الغیوب است، از احاطه منزه است و هیچ کس قادر به دیدن هستی ذات پاکش نیست. در شاهنامه پیش از آفرینش انسان شش عنصر (آتش، باد، آب، خاک، گیاه، حیوان) آفریده می‌شود و سپس به انسان می‌رسد. موجودی هوشمند، خردورز و راست‌قامت که به گفتار و خرد از سایر جانوران ممتاز است و باید در این جهان اندیشه کند تا در جهان پسین به شمار گذارده شود. در شاهنامه بحث بر سر خلقت انسان فارغ از جنسیت و طبقات اجتماعی هست. جایگاه او در این اثر بزرگ بسیار درخور توجه است.

یکی از موضوع‌های چشمگیر در جهان‌بینی ایرانی موضوع نخستین انسان و نخستین شاه است که شناخته‌ترین مثال‌های آن کیومرث و جسمیدند.

در شاهنامه برخلاف متون زردشتی، کیومرث نخستین شاه است نه نخستین انسان، و تنها نقطه مشترک میان کیومرث شاهنامه و کیومرث روایات زردشتی در توافق بر سر عدد «سی» است که پادشاهی کرده است. در شاهنامه به کیومرث به‌عنوان نخستین انسان تنها یک‌بار اشاره رفته است.

آن‌هم نه در سرگذشت کیومرث بلکه در پادشاهی خسرو پرویز، آنجا که در ستایش پروردگار می‌گوید:

چو از خاک مر جانور بنده کرد
نخستین کیومرث را زنده کرد

سرگذشت کیومرث، سرگذشت آغاز جامعه است و نه آغاز زندگی و نیروهای مجدد نیک و بد اوستایی در شاهنامه به‌صورت دوست و دشمن شاه دادگر و بیدادگر شکل یافته‌اند. در شاهنامه اهریمن دیگر آن روح خبیث مجرد نیست که بر جهان روشنایی حمله‌ور می‌گشت بلکه او در شمار مردم بد است (خالقی مطلق، ۱۳۹۶) که علیه مردم نیک سلاح به‌دست می‌گیرد و وارد کارزار می‌گردد. تصویر شماره ۳ کشته‌شدن اژدها به دست اسفندیار است که به نوعی جدال با شر را به تصویر کشیده شده است.



تصویر ۳. نگاره کشته شدن اژدها به دست اسفندیار، مکتب شیراز شاهنامه ۷۳۳. مکتب شیراز، دوره آل‌اینجو. کتابخانه لنینگراد.

۲. آفرینش جهان و انسان از نظر قرآن کریم

۱- در قرآن آغاز خلقت شاید با این بیان شروع شود که فرمود: «كَانَ اللَّهُ وَ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ شَيْءٌ»، «خداوند بود و با او چیزی نبود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۴-۲۳۳).

۲.۱. سیمای کلی جهان از نظر قرآن

«بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره، ۱۱۷)

«و خداوند اراده فرمود تا جهانی بیافریند» و السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ «سوره ذاریات، آیه ۴۷». «و آسمان را به قدرت خود برافراشتیم و ما آن را می گسترانیم».

حدود ۱۲۳ میلیارد سال پیش خداوند اراده فرمود تا جهان را بیافریند، اگر با همین محاسبه به عقب و اول زمان بر گردید. به جایی می رسید که جهان چیز بسیار کوچکی بوده است، قبل از اولین «بیگ بنگ» (یک مدل کیهان شناسی است: نظریه ای است که معتقد است جهان از یک حالت نخستین بی نهایت گرم تشکیل شده و تمام کائنات در یک هسته اتم یا حتی کوچک تر از آن جای داشت و در یک لحظه این فضا و زمان آغاز می شود، یعنی با یک «بیگ بنگ» حاصل گرانش شدید ناشی از فشردگی بوده شروع شده یا انفجار عظیم - یا نبأ عظیم بزرگ جهان به اندازه یک نخود شاید کمی بزرگ تر بود. اکنون روزی بود غیر خدا یک چیزی بود چیز کوچک و ریز یک نخود شاید کمی بزرگ تر و خداوند جهان را ناگهان به این بزرگی نیافرید. اما شیوه آفرینش این بود «تاگوی کوچک» مبدأ آفرینش شد «مَا لَكُمْ لَّا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا» «این شیوه با وقار و حکیمانه بود» «سوره نوح، آیه ۱۳/»

این گوی کوچک اولیه نه از چیز خلق گردید و نه از عدم موجود شد بلکه با «امر» موجود شد. قبل از «گوی کوچک» اولیه هیچ چیز نبود تا بتوان آن را ماده، انرژی و زمان و یا چیز دیگر نامند بلکه «إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» «فقط گوید «باش» بی درنگ موجود می شود» (بقره/ ۱۱۷)؛ خداوند ماده کوچک اولیه را «خداوند ماده کوچک اولیه را «ایجاد و انشاء» نمود. ایجاد و انشاء، یعنی پدید آوردن چیزی بدون اینکه از چیز سابق نشأت یافته باشد. این چنین خداوند گوی کوچک سبز درخشان را ایجاد نمود. پس بی درنگ گوی کوچک سبز اولیه مبدأ آفرینش شد. این ماده اولیه به تدریج بزرگ شد و همگام با بزرگ شدن تحولات و تغییراتی در درونش رخ داد. «ایجاد و انشاء» در قرآن یعنی همان «كُنْ فَيَكُونُ» تصریح شده است (رضوی، ۱۳۷۲: ۴۳)

۲،۲. آفرینش جهان در قرآن کریم

قرآن به پاره ای از مسائل علمی از جمله کیهان شناسی اشاره ای گذرا دارد و شاید هیچ آیه ای مستقیم یا مستقل به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان و زمین نپرداخته است. برای بررسی دقیق تر دیدگاه قرآن کریم را درباره خلقت جهان مروری «در دو آیه» به مسئله آغاز جهان پرداخته می شود:

آیه اول: (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (سوره فصلت/ ۱۱)) (پس به آفرینش آسمان پرداخت؛ در حالی که به صورت دود بود. آنگاه به آن و به زمین گفت خواه یا ناخواه بیایید. گفتند فرمانبرداریم آمدیم). «دخان» در لغت به معنای چیزی است که به دنبال شعله و لهیب آتش برمی خیزد (ابن فارسی، مقایس اللعنه؛ ابن منظور، لسان العرب، ماده (دخن)).

«سما» به معنای طرف بالاست (لسان العرب: ذیل ماده سوم) یا جو زمین محل کرات بالا. آسمان معنوی. واژه «استوی» در اصل به معنای اعتدال یا مساوات دو چیز با یکدیگر است (همان منبع). اگر با حرف «علی» متعدی شود

به معنای «استیلا و سلطه» بر چیزی است. اما هنگامی که با حرف «الی» متعدی شود به معنای قصد است. مانند آیه مورد بحث «فصلت: آیه/ ۱۱»

آیه دوم:

«وَأُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (سوره انبیاء، آیه ۳۰)»؛ (آیا کسانی که کافر شدند ندیدند که آسمانها و زمین هر دو بسته بودند (و آب و گیاه نمی دادند) و ما آنها را شکافتیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ پس آیا ایمان نمی آورند).

واژه (رَتَّقَ) به معنای چیز به هم پیوسته و «فتق» به معنای جدا کردن دو چیز متصل به هم است (لسان‌العرب، ماده (رتق و فتق)؛ از ظاهر این دو آیه استفاده می‌شود که قبل از خلقت آسمان‌ها توده‌ای از گازهای گسترده و عظیم وجود داشته و زمین و آسمان به هم متصل و چسبیده بودند که به قدرت خداوند از هم جدا شده‌اند. این موضوع طبق تحقیقات دانشمندان، زمین در آغاز توده‌ای واحدی بود که بر اثر انفجارهای پی‌درپی از هم شکافت و کهنکشان‌ها و منظومه و کرات به وجود آمدند (تفسیر نمونه، ۲/ ۲۲۸) «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» «... عرش او بر آب بود» «هود آیه/ ۷».

۲،۳. آفرینش آسمان و زمین از نگاه قرآن کریم

از نظر قرآن با قدرت خداوند انجام گرفت، بعد از اینکه از زمین جدا گشت. (و السَّمَاءُ بَنِينَهَا بِأَيِّدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ) «ذاریات، آیه ۴۷»؛ (و آسمان را با دستان (قدرت) خود بنا نهادیم و پیوسته گسترش می‌دهیم).

پس بی‌درنگ گوی کوچک سبز درخشان، مبدأ آفرینش شد. جهان کوچک اولیه به تدریج و بزرگ و بزرگ‌تر گردید (خداوند قوانین کلی جهان خلقت را همانند ساخت) از آن مبدأ آفرینش (آن گوی کوچک اولیه) موادی ایجاد و همچنان آن تغذیه و بزرگ می‌نماید و این چیزی نیست جز امر خداوند که فرمود: «كُنْ فَيَكُونُ» (مدام جوشان باش و بی‌درنگ جوشان باشد). براساس آیه فوق مدام گسترش پیدا می‌کند، جهان هستی در واقع با «دافعه زاده شده است» و با نیروی دافعه در یک نظام رشته‌ای گسترش می‌یابد، و نیروی دافعه با ماده اولیه پدید آمد و آسمان اولیه پدیدار شد (سوگند به آسمان که (در درونش) حفره چرخان است) و (وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (طارق. ۱۱). دانه اولیه جهان چاک‌هایی در درونش به وجود آمده سپس توده‌هایی از کرات پیدایش یافتند که باید آنها را کهنکشان‌های اولیه در آن جهان اولیه نامید. جهان اولیه از اول یک پوسته داشت که به آن «سما» یا آسمان گفته می‌شد. و یک محتوا داشت که (ارض) یا زمین نامیده می‌شد (خطبه اول، نهج‌البلاغه).

جهان اولیه یک پوسته داشت و به آن (سما) یا آسمان گفته می‌شد و یک محتوا که (ارض) یا زمین نامیده می‌شد. زمین ما در همین اواخر خلق شده. (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (اوست خدایی که آنچه را در زمین است برای شما آفرید) (بقره، آیه ۲۹). پس از خلق آسمان اول براساس آیه (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ

هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. (بقره: ۲۹) (اوست خدایی که آنچه را که در زمین است برای شما آفرید پس آهنگ آفرینش آسمان‌ها کرد پس تکمیل نمود آن‌ها را هفت آسمان، و او بر هر چیزی داناست. ناگهان محتوی این جهان دگرگون شد و کرات و منظومه‌ها به هم ریختند یک انفجار عظیم رخ داد و همه چیز متلاشی شد و تبدیل به گاز و مایع مذاب گردید.

با سرازیر شدن انرژی و مواد حاصل از فوران و دامنه از مرکز اولیه جهان رفته‌رفته گاز و دخان در یک نقطه متراکم گردید. در نتیجه نیروی دامنه کوچک‌ترین ذره‌های موجود در گاز با هم تلاقی و هم‌جوشی، به‌اندازه‌ای داغ و حرارت یافت که ناگهان منفجر شد (ثم اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ...) (آیه ۳۰: سوره انبیاء) پس توجه کرد به آسمان دیگر؛ درحالی که دخان بود. در نتیجه با هر تحولی و انفجاری که در مرکز جهان ایجاد می‌شود یک (سماء) یا آسمان جدیدی در آن متولد می‌شود. خداوند آسمان‌ها و زمین را در شش روز (دوره) خلق کرد. پس جهان پهناور ما در مرحله «ایجاد» یک آسمان داشت و در فرآیند تحولات خود اکنون در مجموع دارای هفت پوسته یا هفت قشر حلقه‌ای یا هفت‌آسمان است و در اواخر روز هفتم قرار دادیم.

از آیه مذکور برمی‌آید که به هم پیوستگی آسمان و زمین اشاره به آغاز خلقت دارد که مجموعه این جهان به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارهای درونی و حرکت به تدریج تجزیه شد و کواکب و ستارگان از جمله منظومه شمسی و کره زمین به وجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است.

۲،۴. پیدایش حیات در جهان هستی

پیدایش حیات از نظر علمی یک محال روشن است آنچه واقعیت است این محال به وقوع پیوسته است.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي (اسراء/۸۵)؛ تو را از حقیقت و اوصاف روح (که مایه حیات هر جاندار است) می‌پرسند بگو روح تولید یافته از فرمان پروردگار من است (و دوام و زوالش نیز در هر جاندار به فرمان اوست) و شما از دانش (ویژه علم به حقیقت روح) جز اندکی داده نشده‌اید. روردگار منطقه «صفر» بدون علت و (کن فیکون) اراده ایجاد بی‌درنگ خداوند است. حیات و روح از چیزی خلق نشده‌اند تا گفته شود. از چه چیزی آفریده‌اند. حیات و روح به فرمان خداوند که فرمود (کن فیکون) باش، باشند شده است.

۲،۴،۱. مراتب پیدایش حیات در جهان هستی

پیدایش گیاهان: ظاهراً پس از پیدایش خاک میلیون‌ها سال طول کشید تا نمونه‌های ریز حیات به صورت تک‌سلولی‌های اولیه گیاهی ظاهر شوند. اولین پدیده حیات با تمامی جانداران متنوع از یک‌ذره باکتری پدید آمد. پدیده حیات از چیزی خلق نگردیده است.

از مقوله «امر» و «كُنْ فَيَكُونُ» است، قرآن به دیدن و نگریستن و مطالعه در اشیاء جهان با نگاه ژرف حسی و تجربی دعوت می‌نماید، برای مطالعه کیهان و هفت‌آسمان پیامبر اعظم (ص) از بیت‌المقدس به معراج می‌رود.

«لِئْرِیَهُ مِنْ آیَاتِنَا» (تا نشان دهیم به پیامبر نشانه‌های قدرت خودمان در آفرینش را) (اسراء، ۱)
 (ما زَاغَ الْبَصَرَ وَ مَا طَغَى) (نجم، ۱۷) (نه دیدگانش لغزید و نه نگرشش دچار طغیان و عدم دقت گشت.) (لَقَدْ رَأَى
 مِنْ آیَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى) (به تحقیق مشاهده کرد از نشانه‌های بزرگ قدرت پروردگارش) (نجم/۱۷)
 (ما كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى)؛ (آنچه را که دیدگانش دید قلبش نیز آن را بر گرفت و تأیید کرد. (نجم/۱) با نزول کوه‌ها و
 صخره‌های عظیم یخ به سیاره، زمین، زمن رو به سردی نمود و برکه‌های آب گرم پدید آمد.

وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ) خداوند نازل کرد کوه‌هایی از یخ را و زمین با نزول کوه‌های یخ و آب و
 باران رو به انجماد و سردی نمود) (نور، ۴۳). وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً) خداوند آب را از آسمان فرو فرستاد.

پیدایش یخچال‌ها موجب پودرشدن سنگ‌های صلیب و آذرین و ورود آن‌ها به برکه‌ها و اقیانوس‌ها گردید باد و باران
 و سیلاب سنگ‌های سخت زمین را شخم زد و برکه‌های آب گرم مملو از گل و لجن بد بود و متعفن گردید. مواد آلی
 و ترکیبات شیمیایی بستر اولین گام‌های پدیده حیات را فراهم کرد. اولین جاندار چند سلولی به‌وجود آمده اسفنج
 است. اسفنج‌ها جد تمام موجودات مرکب دیگر می‌باشند. (مرتضی رضوی: کتاب تبیین جهان و انسان) مقدم‌بودن
 پیدایش حیات نباتی بر پیدایش حیوانی اصلی است که آیه اقوات بر آن دلالت می‌کند. (فصلت: ۱۰) با این اوصاف،
 پیچیده و گسترده‌ترین موجودات زنده روی زمین گیاهانند.

(از نشانه اوست که زمین را خشک می‌بینی و چون باران بر آن فرود آوریم، می‌جنبد و گیاه برآورد، آنکه آن را زنده
 می‌کند، زنده‌کنندگان مردگان است، بی‌گمان او بر هر کاری تواناست.) (فصلت/۳۰).

گیاهان مانند حیوانات انواع بی‌شمار دارند. قرآن کریم گیاهان را به سه ویژگی؛ موزون بودن، زیبا بودن و شادی‌آفرین
 توصیف کرده است (حجر/۱۹، لقمان/۱۰، نمل/۶۰) پس از بارش باران رویش گیاهان شروع می‌شود. اولین گیاهی که
 از زمین سر برآورده گیاه (دبا) بوده است. و در نتیجه منشأ الهی رویش گیاهان آب است.

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم) (انبیاء/۳۰).

پیدایش حیات جانوران از نگاه قرآن کریم: همان‌طور که در بحث پیدایش گیاهان شرح داده شد. طبق آیات و
 روایات منشأ اصلی حیات جانوران نیز آب است. بعد از پیدایش حیات گیاهان، اسفنج‌ها که چند سلولی هستند منشأ
 بعدی حیات جانوران نیز می‌باشند. حتی انسان نیز سابقه گیاهی دارد. وَ اللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا) (نوح: آیه ۱۷)
 (خداوند شما را از زمین رؤیانید در ماهیت گیاه).

دوزیستان اولیه از تحول ماهی‌های مهره‌دار پدید آمدند، خزندگان از تکامل دوزیستان در زمین گسترش یافتند از
 دیدگاه قرآن؛ ابتدا از جنبندگان با تلاقی خزندگان و جانوران آبی اشتقاق یافته‌اند و از خزندگان، پرنندگان، و از
 پرنندگان پستانداران، و خداوند هر جنبنده‌ای را از آب آفرید (وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ).

بعضی از آن‌ها بر شکم می‌روند بعضی بر دو پا می‌روند. (فَمِنْهُمْ (نور/۴۵). گروهی از جانوران به دلیل عدم مطابقت محیط منقرض شدند و جای خود را به جانورانی دادند که با آن محیط سازگارتر بودند. (مثل دایناسورها). پس جانوران این مسیر فراگشت را طی نمودند و مرحله بعد پیدایش خلقت شروع شد که به نام بشرهای نخستین بودند.

۳. آفرینش حیات بشرهای نخستین از نگاه قرآن کریم

پس از پیدایش حیات جانوران زمانی فرا رسید که جانورانی شبیه به انسان آغاز به راه رفتن با دو پا نمودند. احتمالاً این بشرها از شامپانزه‌ها و گوریل‌ها و بقیه جانداران اولیه منشعب و جهش یافته‌اند.

در منابع اسلامی: از این بشرها و انسان‌واره‌های قبل آر حضرت آدم (ع) به نام (بن - سن - جن - ناس - جان - جن - نسناس) یاد شده است.

آیه شریفه (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا (بقره/۳۰) (که ملائکه گفتند آیا می‌خواهید کسانی که جانشین خود کنید که فساد کنند و خون‌ها بریزند) این آیه دلالت دارد که قبل از خلقت آدم (ع) انسان‌هایی در کره زمین زندگی می‌کردند و به فساد آلوده شدند. پس نتیجه می‌گیریم که حلقه حیات حیوانات تا اینجا سه مرحله را پشت سر گذاشته است:

(الف) نباتات (گیاهان)

(ب) جانوران شامل همه غیر از انسان

(ج) انسان‌های نخستین

۴. داستان آفرینش - خلقت آدم (ع) از منظر قرآن کریم

عالم «ذر» یا عالم «قَالُوا بَلَى» مکانی است که میلیاردها ذره انسان پروردگار خود را تصدیق کردند. قبل از هبوط از جنگل حضرت آدم از پروردگار خود سؤال کرد. آیا و جفتش تنها خواهند بود یا نسلی از آن‌ها پدید خواهد آمد.

خداوند بصیرتی به حضرت آدم (ع) داد. او به اطراف خود نگاه کرد زمین و هوا را مملو از ذراتی دید که جلندار و دارای حیاتی بالقوه هستند و آدم دریافت که خود نیز روزی یکی از این ذره‌ها بوده است. آن‌ها ذره‌های بسیار ریزی بودند که بالقوه مستعد حیات روح گیاهی و حیوانی بودند و اینک در تکاپوی یافتن مراتبی بهتر و شرایطی مناسب‌تر هستند. این ذره‌ها از «عالم ذر» و روزی که «قالو بلی» گفتند تا به امروز و تا آینده‌های دوردست در هوا و آب و خاک این سیاره پراکنده‌اند.

این ذره‌ها در چرخه حیات وارد دستگاه تناسلی می‌گردند و در عالم «رحم» به دریافت روح دیگری به نام فطرت نائل می‌شوند. لیکن «رحم» انسان هر بار یک‌دانه یا چند دانه «اسپرم» از آن‌ها را می‌پذیرد. طرح کار دستگاه «رحم» بی‌شبهت به طرز کار طبیعت باتلاقی که آدم (ع) و حوا در آن روئیدند نیست. بستری که «ذره» آدم (ع) را پذیرفته بود یکی سیاه‌رنگ و متعفن در جنگلی نمور و نمناک بود. این باتلاق گرم و بدبوی «حماء مسنون» امکان رشد و بارور ساختن بیش از یک جفت نداشت. «وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا» (و خداوند شما را انسان همچون گیاهی از زمین روئانید (سوره نوح/۱۷)).

آفرینش آدم همانند پیدایش حیات اولیه از محیطی گل‌آلود آغاز می‌شود، محیطی که آن‌ها را پذیرفته بود باتلاقی گرم و بدبو و حتی باید گفت سیاه‌رنگ و متعفن بود. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (ما انسان را از ریگی سیاه و بدبو آفریدیم) (حجر/۲۶)؛ یک جفت «ذره» از میلیاردها ذره پراکنده در فضل امکان فعالیت و رشد در آن محیط باتلاقی یافتند «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» (ما آن‌ها را (آدم و حوا) از گلی چسبنده آفریدیم) (صافات/۱۱)؛ «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (در حالی که خداوند آدم را در مراحل مختلف آفریده است (نوح/۱۴))

حضرت آدم (ع) چهار مرتبه رشد (ذره‌ای نرم) و سفت‌وسخت پوستی را طی می‌کند.

مراحل چهارگانه تکامل: حیاتی، گیاهی، حیوانی، انسانی را پشت سر می‌نهد.

آدم مدتی درون پیله نرم گیاه‌وار مراحل رشد و تکامل خود را طی می‌کند، تا زمانی که به مرحله دریافت پوسته‌ای شفت. «صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» نائل می‌آید. پوسته‌ای سفت و مدور همانند یک کدو یا چیزی شبیه به نارگیل و شاید گوی سفتی از خانواده یک گیاه کاکتوس.

«خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (و خداوند انسان را از گِلِ خشکیده‌ی سفال مانند پدید آورد) (رحمن/۵۵).

منابع اسلامی مراحل تکوین و تکوین آدم (ع) و گذر از دوران گیاهی به سفت‌پوستی و سخت‌پوستی را در حدود چهل سال تخمین می‌زند. آدم درون پوسته و پوشش سخت خود در حکم «بشر» بود. و هنوز به مرحله انسان نرسیده بود. در طول این چهل سال و مراحل مختلف جهش‌هایی در روند ساختمان پیکر آدم به‌وجود می‌آید. آدم در این مرحله از تکامل رشد خود از درون پوسته سفت بیرون می‌آید و با پوششی سخت و صدف مانند از جنس ناخن پا بر روی زمین می‌نهد. و این مراحل طی می‌شود تا به کمال مطلوب برای دریافت حیات و روح انسانی نائل گردد. خداوند روح انسانی را بر پیکر آدم می‌دهد.

«فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر/۲۹)؛ (پس وقتی آدم را پدید آوردم و از روح خود (مخلوق خود) در آن دمیدم پیش او در سجده درافتید).

(و تَمَّ نَفْخٌ فِيهِ فَلَمَّا بَلَغَتْ فِيهِ الرُّوحَ إِلَى دَمَا غِيَهٍ عَطْسِي) (قمی، ج ۱/ ۵۶) و آنگاه که روح فطرت بر جان آدم دمیده شد آدم عطسه‌ای نمود و برخاست. *إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ* (آل عمران/ ۵۹)؛ قرآن می‌فرماید: «آفرینش عینی بدون پدر مانند آفرینش آدم است).

(خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) (همان) (که او را از خاک آفرید پس به او (آدم) گفت: باش پس موجود شد) آفرینش آدم از خاک و عینی لا در رحم مادر از مصادیق (ایجاد و انشاء) و کن فیکون است) و از مصادیق جهش (متاسیون) است. آدم که قبلاً دارای روح حیاتی - نباتی، حیوانی بود اینک بود اعطای روح چهارم به حیات انسانی نیز نائل می‌گردد.

اعطای روح فطرت و مائده بزرگ زبان و استعداد گفتار باعث تحسین و سجده ملائکه بر آدم گردید و آنگاه خداوند از آدم و حوا خواست تا از این جنت و جنگل و میوه‌های آن برخوردار باشند و تنها از درختی ویژه و ممنوعه تناول نمایند. «و قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كَلَّا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ سَأَلْتُمَا وَ لَا ...»

(و گفتیم ای آدم خود و همسرت در این باغ سکونت گیرید و از هر کجای آن خواهید، فراوان بخورید و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود.) (بقره/ ۳۵) حوا با ترغیب شیطان به آن درخت نزدیک شد او و آدم به وسوسه شیطان از درخت ممنوعه تناول کردند.

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ...» (بقره/ ۳۶)؛ (پس شیطان هر دو را بلغزانید و از آنچه در آن بودند ایشان را بدر آورد آنگاه از درخت ممنوعه خوردند و پوشش سختشان فرو ریخت.

(فَكَلَّا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقَةِ الْجَنَّةِ) (پس بی رنگ پوشش سخت از جنس ناخن فرو ریخت و هر دو خود را عریان و برهنه از هر پوششی یافتند (طه/ ۱۲۱). اولین نهیب درونی و بانگ روح انسانی آنان را سراسیمه به پوشش عورتشان رهنمون ساخت و شروع کردند به چسباندن برگ‌های جنگل بر خود. نافرمانی و اولین تجربه تلخ نکوهش درونی و ندامت نفس لوّامه احساس سنگینی تکلیف وجدان را به آنان گوشزد ساخت.

آدم و حوا پس از تناول از درخت ممنوعه به هبوط و خروج از آن جنگل هدایت شدند.

(قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا...) (بقره/ ۳۸)؛ (گفتیم بیایید بیرون از آن جنت، جنگل) همگی، (آدم و حوا و ابلیس) پس آنگاه دستورات من (احکام: اصول و فروع) به شما ابلاغ خواهد شد. پس کسانی که هدایت من پیروی کنند نه خوفی بر آنها است و نه غمگین می‌شوند. آدم و حوا پس از هفت ساعت از اعطای روح انسان از آن جنگل هبوط یافتند و اولین نهاد خانواده را بنیان نهادند و زندگی را شروع کردند. هابیل و قابیل و قاین فرزندان آدم و حوا با دختران تنها خانواده باقی‌مانده از بشرهای منقرضه (بنام جان) ازدواج کردند. پس نفس اماره قابیل او را به قتل برادرش ترغیب کرد و وی را کشت و از زیانکاران شد و این چنین تاریخ بشر رقم خورد.

نتیجه‌گیری

تشابهات و تفاوت‌های آفرینش جهان و انسان در قرآن کریم با مقایسه آفرینش در شاهنامه فردوسی با بررسی‌هایی که به عمل آمد در این مقاله نتایج ذیل حاصل گردید. تشابهات آن عبارت‌اند از: ۱. خلقت اولیه جهان از نظر قرآن کریم و شاهنامه هر دو «ابداعی و ایجادی»‌اند. ۲. بیان شاهنامه از آفرینش آسمان‌ها و زمین با منابع اسلامی همخوانی دارد. ۳. قرآن کریم و شاهنامه اولین مخلوق خدا را در عالم انوار خرد (عقل) می‌دانند. البته قرآن مؤلفه‌های دیگری را در عالم انوار باور دارد. ۴. شاهنامه و قرآن کریم خلقت انسان را از خاک می‌دانند و شواهدی برای آن نشان داده‌اند. ۵. از نظر شاهنامه و قرآن کریم هم آدم (ع) و حوّا و هم کیومرث از عالم مینو به عالم مادی هبوط کرده و هر دو در کوه سُکنی گزیده‌اند. ۶. داستان این دو (آدم (ع) و کیومرث) از نظر آفرینش هر دو نخستین انسان‌اند. با روایتی دیگر کیومرث اولین شاه است، سیاوش اولین انسان است. ۷. هر دو در آغاز داغدار فرزند جوان خود شدند.

تفاوت‌ها آن دو عبارت‌اند از: ۱. در قرآن کریم خداوند آسمان‌ها و زمین را در شش روز (دوره) آفرید. اما در شاهنامه چنین چیزی ذکر نگردیده است. ۲. جنس آسمان از نگاه شاهنامه «یاقوت» سرخ است ولی در قرآن کریم آسمان از «دخان» یا دود به‌وجود آمده است. ۳. از نظر قرآن کریم آفرینش آدم (ع) در مراحل و مراتب مختلف آفریده شده است. ۴. مفسران داستان خلقت آدم (ع) را تمثیلی و اجزاء آن را سمبلیک می‌دانند، ولی در شاهنامه به‌جای تمثیل نماد به‌کار برده شده است. با بررسی‌هایی که شده است میزان تشابهات در بحث آفرینش حیات و خلقت جهان و انسان در مقایسه با شاهنامه و قرآن کریم بیشتر از تفاوت‌ها است، هرچند در قرآن کریم در موضوع آفرینش جهان و انسان به‌صورت پراکنده اشاره شده است. و در شاهنامه به‌صورت موجز و مختصر اما این دو منبع الهی و بشری حائز اهمیت هستند.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

قرآن کریم

نهج البلاغه

شاهنامه فردوسی

اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). اسطوره بیان نمادین. تهران: انتشارات سروش.

ارشاد، محمدرضا. (۱۳۸۲). گسترده اسطوره. ج ۱، تهران: انتشارات آگاه.

اصفهانی، حمزه بن حسین. (بی تا). تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه: جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۱). ایران و جهان از نگاه شاهنامه، تهران: انتشارات امیرکبیر.

اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۱). ایران و جهان از نظر فردوسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

آموزگار، ژاله. (۱۳۸۶). ایران باستان، تهران: انتشارات توس.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). علل الشرایع صدوق، تهران: انتشارات ایران قم.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۳). تاریخ بلعمی، تهران: انتشارات زوار.

بهار، مهرداد. (۱۳۹۱). ادیان آسیایی، تهران: انتشارات سرچشمه.

بهار، مهرداد. (۱۳۹۱). اسطوره و تاریخ، تهران: انتشارات سرچشمه.

بهبودی، محمدباقر. (۱۳۸۶). هفت آسمان، تهران: انتشارات معراج.

جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۶). آفرینش و انسان، تهران: انتشارات مؤسسه تدوین.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). تفسیر تنسیم، تهران: انتشارات محل نشر قم.

جنیدی، فریدون. (۱۳۹۰). کتاب زندگی و مهاجرت ایرانیان: انتشارات بلخ.

خرمشاهی، بهالدین. (۱۳۶۵). فخررازی، تفسیر کبیر، تهران: نور.

رضایی، مهدی. (۱۳۸۳). آفرینش و مرگ در اساطیر، تهران: انتشارات اساطیر.

رضوی، مرتضی. (۱۳۷۲). تبیین جهان و انسان، قم: انتشارات مهر قم.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). در قلمرو وجدان، تهران: انتشارات سروش.

- صفا، ذبیح‌اله. (۱۳۷۹). حماسه سرایی در ایران، تهران: انتشارات مؤسسه امیرکبیر زبان فارسی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷). عربی، تفسیر علامه، المیزان، ج ۱۰، تهران: انتشارات فرهنگی رجا.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۶). رؤیا، حماسه، اسطوره، تهران: انتشارات نشر مرکز.
- موسوی، سید کاظم. (۱۳۸۹). پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، قم: انتشارات دارالکتب السلامیه.
- مسکوب، شاهرخ. (۱۳۹۰). ناشر طرح نو تن پهلوان و روان خردمند، تهران: انتشارات طرح نو.
- همدانی، احمد رحمانی. (۱۳۹۴). خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)، تهران: انتشارات منیر.
- یغمایی، حبیب. (۱۳۳۹). تفسیر طبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.